

دانشگاه اسلامی و چشم انداز آن از منظر قرآن کریم

امیر فتاحی*: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام
سهراب مروتی: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام
آمنه جوشن: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام

دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم
سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۱۷ - ۹۳
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱/۱۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۴/۱۴

چکیده

تعیین چشم انداز و طراحی افق‌های روشن برای رشد و تعالی، نخستین و پایه‌ای‌ترین گام در جهت تدوین معماری مطلوب هر سازمان و نهاد است. به‌رغم تلاش‌های فراوان در عرصه دستیابی به جایگاه مطلوب دانشگاه در کشور اسلامی‌مان و نیز بحث اسلامی‌سازی این نهاد مقدّس، هنوز به‌نحو مطلوب به ترسیم چشم انداز این نهاد بر مبنای آموزه‌های اسلامی پرداخته نشده است. در مقاله حاضر تلاش شده است با مروری بر سرفصل‌های مفهوم‌شناسی چشم‌انداز و دانشگاه اسلامی، ویژگی‌های بارز دانشگاه اسلامی و شاخص‌های چشم‌انداز دانشگاه اسلامی به تبیین این موضوع پرداخته شود و با تحلیل و بررسی آیات قرآن کریم، چشم‌انداز و سیمای شایسته این نهاد ترسیم شود. پژوهش حاضر، دانشگاه اسلامی را نهادی با سه مشخصه ذاتی یا مؤلفه بنیادین هویت علمی، جهت‌گیری اسلامی و هویت دینی، فایده‌مندی و خدمت‌گذاری معرفی می‌کند و با طراحی چشم‌انداز مطلوب آن، که متشکل از شاخص‌های دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی است، به الگوسازی و ترسیم پیکر و چارچوب اسلامی‌اش پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: چشم انداز دانشگاه، دانشگاه اسلامی، آینده‌نگری.

۱- مقدمه

از آن‌جا که آینده‌نگری و ترسیم چشم‌انداز، مهم‌ترین عامل برای تحقق مأموریت‌ها و هدف‌هاست و برنامه‌های عملیاتی از طریق طراحی افق‌های روشن و انجام فعالیت‌ها بر مبنای این طراحی، محقق می‌شوند، دانشگاه نیز برای دستیابی به جایگاه آرمانی خویش، نیازمند آینده‌نگری و ترسیم چشم‌انداز است.

در کشور اسلامیمان، پس از مطرح شدن بحث اسلامی شدن دانشگاه، این ضرورت با نگاه درون‌دینی تلفیق شده و این مسأله مطرح گردید که اصولاً بر مبنای آموزه‌های اسلامی، این نهاد را در چه قالبی هم از لحاظ معنا و باطن و هم از لحاظ ظواهر و شعائر و ساختار بیرونی، می‌توان مطلوب دانست تا ضمن بالندگی باشد. و دیگر این‌که، دست‌یابی به این جایگاه آرمانی از چه طریقی میسر خواهد بود؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که متأسفانه به رغم اهمیت این موضوع، تحقیقات توصیفی زیادی در مورد ترسیم چشم‌انداز دانشگاه اسلامی، انجام نشده است. بلکه اغلب تحقیقات در این زمینه، سعی در تبیین دیدگاه‌ها، موانع و چالش‌های پیش‌روی و احیاناً راهکارهای تحقق دانشگاه اسلامی داشته‌اند و دیدگاه‌ها پیرامون این جنبه مهم از بحث اسلامی شدن دانشگاه، به‌صورت کلی و گذرا مطرح شده است. در زیر به برخی از تحقیقات انجام گرفته و خلاصه‌ای از نتایج آنها اشاره می‌شود:

مخبر و همکاران بر این باورند که ما نیازمند ترسیم و تصویر چشم‌اندازی از دانشگاه اسلامی هستیم که مسائل اساسی را چه در محتوا و چه در ساختار شکل بدهد و اگر از جهت بعد زمانی به مسئله نگاه کنیم، نیازمند تنظیم مراحل و زمان‌بندی‌های مشخص هستیم که ابتدا و انتهای آن و میزان دست‌یابی به نتایج پیش‌بینی شده در آن، تا حد زیادی واضح و روشن باشد. برای ترسیم سیمای دانشگاه اسلامی، اولین و مهمترین مسأله مورد نیاز ما یافتن روش‌ها و متدولوژی‌های تنظیم‌کننده نسبت میان علم و دین در رشته‌های گوناگون است (مخبر و همکاران، ۱۳۷۶: ۷۷-۷۸).

از دیدگاه مقیسه، دانشگاه اسلامی در دو بعد شکلی و محتوایی قابل‌تصور است؛ شکلی یعنی انطباق جلوه‌ها، ظواهر و مناسبات حاکم بر دانشگاه و دانشگاهیان و محتوایی یعنی دست‌کم در حوزه علوم انسانی، بر مبنای متون معتبر اسلام و فرهنگ دینی باشد (مقیسه، ۱۳۸۴: ۹۰).

همان‌گونه که اشاره شد، تحقیقات انجام شده، غالباً به‌صورت کلی و بدون تبیین شاخص‌های اسلامی چشم‌انداز، مطرح شده است. ما هم اکنون در فضایی قرار داریم که برای اسلامی‌سازی دانشگاه، گفتگوها و مباحثه‌ها و تعامل‌ها، قبل از هر تلاشی بایستی تصویر دانشگاه اسلامی را به‌صورت صریح و روشن بیان، و مؤلفه‌های بنیادین دانشگاه اسلامی تبیین کند. علی‌رغم تمام مطالب و مقالات عرضه شده در رابطه با اسلامی شدن دانشگاه، این امر هنوز آنقدر عمق نیافته است که بتواند چشم‌انداز دانشگاه اسلامی را، حداقل در مقیاسی که روش‌نگر مسیر کلی دانشگاه باشد، ارائه دهد. متأسفانه عدم تبیین صحیح و صریح چشم‌انداز این نهاد، نه تنها آسیب‌ها و آفات جبران‌ناپذیری به شاکله جریان اسلامی‌سازی دانشگاه وارد ساخته بلکه در بین سطوحی از نظریه‌پردازان، تصور موضع بی‌تفاوتی دین نسبت به این امر مهم را به‌وجود آورده است!

این در حالی است که دین اسلام در برنامه‌ی هدایتی خود که از شاخص «تَبَيَّنًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) برخوردار است از سویی آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی را از مهم‌ترین مبانی تصمیم‌گیری معرفی می‌کند؛ چنانچه حضرت علی(ع) در خصوص آینده‌نگری به فرزندشان امام حسین(ع) می‌فرماید: هر کس بدون نگرش به عواقب، در ورطه کارها درآید خود را در معرض مصائب و مشکلات نهاده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۹۰). همچنین امام محمد باقر(ع) پیرامون ضرورت پیش‌بینی و آینده‌نگری فرمودند: هر وقت به کاری همت می‌گماری، عاقبت آن را ببیندیش، اگر به خیر و رشد می‌انجامد، دنبال کن و اگر به شر و انحطاط منتهی می‌شود، رها کن (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۷۳). و از سوی دیگر این دین انسان‌ساز، نیز در عرصه فرهنگ علم و تحصیل دانش از غنای کم‌نظیری برخوردار است و مشوق خیزش به سمت و سوی فرهنگ علم آموزی و دانش‌پروری است «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۷۷) حتی طلب دانش را امری واجب معرفی می‌نماید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۰) لذا با در نظر داشتن نقش هدایت‌گرانه دین و اهمیت آینده‌نگری در تصمیم‌گیری‌ها و نیز ارزش و منزلت فرهنگ دانشجویی از دیدگاه دین اسلام، نمی‌توان موضع بی‌تفاوتی را به اسلام نسبت داد؛ بلکه به‌عکس، این مفهوم نشانگر اهتمام ویژه اسلام در این مورد می‌باشد. چرا که عقل حکم می‌کند که این دین انسان‌ساز، در برنامه تربیتی خود، ابتدا سیمای مطلوب این نهاد مولد علم و پرورش دهنده دانشجو را ترسیم کرده باشد، سپس دستیابی و آراسته شدن به آن را به‌عنوان ارزش معرفی نماید. لذا پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که برپایه آموزه‌های دین اسلام، به‌خصوص قرآن، چه چشم‌اندازی برای نهاد دانشگاه قابل ترسیم است که مسیر دستیابی به جایگاه شایسته این نهاد الهی را برای ما روشن و هموار سازد؟

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- دانشگاه اسلامی

در ذیل آن‌چه که در آثار اندیشمندان و محققین معاصر، پیرامون تعریف و مفهوم «دانشگاه اسلامی» بیان شده است به‌صورت اختصار بیان می‌شود؛

امام خمینی(ره) دانشگاه اسلامی را این‌گونه معرفی می‌کنند: معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند و خودش را از وابستگی به شرق جدا کند و یک مملکت مستقل، یک دانشگاه مستقل، یک فرهنگ مستقل داشته باشیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۵).

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که هدف آن، هدف‌های اسلامی و دینی باشد و ارکان آن را نیروهای مؤمن و متعهد تشکیل بدهند و ارزش‌ها نیز در اولویت باشند (زراعت، ۱۳۷۶: ۵۴).

دانشگاه اسلامی، معهدی علمی است که در آن ظواهر شرعی در بین معلمین و متعلمین رعایت شده و کسی اعم از مرد و زن برخلاف مظاهر اسلامی نباید تظاهر کند. در این بین فرقی میان دانشگاه با سایر نهادها و دوائر جامعه اسلامی نیست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲: ۲۸).

دانشگاهی است که در آن، بینش توحیدی بر تمامی شئون دانشگاه و تفکر و اندیشه دانشگاهیان حاکمیت دارد و علم آموزی به منزله یک عبادت در جهت ایجاد و تقویت این نگرش ایفای نقش می‌کند (همان).

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، محیطی سرشار از معنویت و مکارم اخلاق به‌منظور رشد و تعالی فردی و تربیت صحیح و تزکیه و تعلیم نفوس ایجاد می‌شود و حیات و شخصیت معنوی و اخلاقی افراد اعتلا می‌یابد.

دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که در آن، افراد در پرتو معارف اسلامی با احساس تعهد و مسؤلیت نسبت به رشد و تعالی جامعه و تحقق اهداف و ارزش‌های اسلامی در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت می‌جویند (مجیدی، ۱۳۸۲: ۷۷).

دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن همه ارزش‌های متعالی، اسلامی، فرهنگی قرآنی، برترین اندیشه‌های علمی، خلاقیت‌های ذهنی، نوآوری‌های علمی و تولیدات فکری در رفتار و شخصیت دانشگاهیان به مثابه الگوهای مطلوب اجتماعی پدیدار گردد (موسوی مقدم، ۱۳۸۴: ۵۲).

دکتر حسین العطاس در مورد دانشگاه اسلامی می‌گوید:

دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است همانند هر دانشگاه دیگری که امروزه در دنیا وجود دارد؛ با این تفاوت که این دانشگاه دارای هویت اسلامی است (ذاکر صالحی، ۱۳۸۴: ۶۷۱).

دانشگاه اسلامی همان دانشگاهی است که بر پایه اعتقادات دینی و مبانی اسلامی شکل گرفته و تمام شؤونات اسلامی در آن رعایت می‌شود (علی آبادی، ۱۳۸۹: ۵۹).

اسلامی شدن دانشگاه به‌معنای تحمیل یک حاکمیت، طبقه یا صنف خاص نیست، بلکه عجین ساختن دانش‌اندوزی با آداب معنوی و ارزش‌های دینی و انسانی در جامعه علمی است (فضل الهی قمشی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۷).

۲-۲- چشم انداز

تعیین چشم انداز یا دورنما در یک سازمان، نخستین و پایه‌ای‌ترین گام در جهت تدوین معماری مطلوب آن سازمان است. در مطالعات انجام گرفته، تعاریف مختلفی از چشم‌انداز وجود دارد که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

چشم‌انداز به‌معنی آرمان‌های قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلند مدت با توجه به ارزش‌های نظام و با ویژگی‌های آینده‌نگری و ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی و جامع‌گرایی که وضعیت موجود را بررسی و براساس شرایط آینده را پیش‌بینی و تصویری مناسب و آرمانی از جامعه ارائه می‌دهد.

چشم‌انداز، آمیزه‌ای از ارزش و داورهای مبتنی بر ایدئولوژی و واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. طبق این دیدگاه، هر ایدئولوژی‌ای، ترسیم‌کننده یک چشم‌انداز است. لذا در مقام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری باید ایدئولوژی واحدی حاکم باشد تا چشم‌انداز واحدی شکل بگیرد (ر.ک: سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران).

چشم‌انداز، عبارت است از آینده‌های واقع‌گرایانه و محقق‌الوقوع. چشم‌انداز راه‌مشخصی است که ارایه دهنده یک تصویر مطلوب، آرمانی و قابل دستیابی است که مانند چراغی در فراروی یک سازمان،

جامعه و نظام حکومتی قرار دارد و دارای ویژگی‌های آرمان‌گرایی، جامع‌نگری، آینده‌نگاری، ارزش‌گرایی و واقع‌گرایی می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۳).

هدف از ترسیم چشم‌انداز، تصویر آینده و نه پیش‌بینی آینده است. چشم‌انداز به مثابه روحی در کالبد طرح‌ها و برنامه‌های یک جامعه، دارای ویژگی‌هایی است که با ایجاد تصویر ذهنی به ترسیم آینده طرح‌ها و برنامه‌ها می‌پردازد. با در نظر داشتن مفاهیم بیان شده می‌توان گفت تعیین چشم‌انداز، به معنای نقش و موقعیتی است که در وضعیت آرمانی، باید در آینده محقق شود و سمت و سوی فعالیت‌های آینده در این زمینه را نشان می‌دهد.

۳- ویژگی‌های بارز دانشگاه اسلامی

معنا و تعریف اولیه دانشگاه اسلامی تا حدودی برای ما شناخته شد، اکنون لازم است دانشگاه اسلامی را در قالب شاخص‌ها و مولفه‌ها بیان شود؛ چرا که ذکر شاخص‌ها و مؤلفه‌ها برای این مهم می‌تواند تصویر دقیق‌تر و ملموس‌تری از دانشگاه اسلامی را به تصویر بکشد. در حقیقت اگر این مولفه‌ها با هم ترکیب شوند، شاید برآیند آنها را بتوان به تعریف اولیه دانشگاه اسلامی تعبیر کرد. در ذیل بارزترین شاخصه‌های دانشگاه اسلامی بیان می‌شود؛

۳-۱- هویت علمی

اولین ویژگی دانشگاه اسلامی این است که هویت علمی و نیز خلاقیت و نوآوری پژوهشی را در خودش به عنوان یک صفت برجسته داشته باشد. اگر سخن از شاخص‌های دانشگاه اسلامی در میان باشد، فصل علمی او در رأس شاخصه‌ها قرار دارد. قرآن کریم، وامانندگان از مسیر هویت علمی و دانش پژوهی را در ردیف چهارپایان قلمداد می‌کند (فاطر/ ۲۸). البته در دل این بحث و در دل این مشخصه، توانمندی‌های پژوهشی دانشگاه و به روز بودنش در ارتباط با دنیا و دانش‌های روزافزون بشری وجود دارد. فرق است بین مجموعه‌ای که عده‌ای در آن درس می‌خوانند اما توان برجسته در زمینه تولید علم نداشته باشند، با مجموعه‌ای که یک سری علوم در آنجا تدریس می‌شود و در ضمن تدریس، تولید و در ضمن تولید، تحقیق می‌شود. لذا هویت علمی یافتن دانشگاه، متفاوت از داد و ستد متداول دانش‌نظری و کاربردی مصطلح است. دانشگاهی دارای هویت علمی است که خود زاینده دانش باشد. در مقوله‌های مختلف معرفتی صاحب‌نظر باشد، هم نظریه‌پرداز باشد و هم در برابر نظریه‌های عرضه شده قدرت احتجاج داشته باشد. اینها کاملاً با مفهوم دانشگاه، پیوسته و درگیر هستند. این چنین دانشگاهی از نظر علمی مستقل است. اگر دانشگاهی این ویژگی را نداشته باشد، دانشگاهی وابسته است و دانشگاهی اسلامی نیست. به عبارت دیگر، دانشگاه وابسته نمی‌تواند اسلامی باشد. برای این که اسلام مشوق علم و توصیه‌کننده به اندوختن علوم در هر زمانی و در هر مقطعی از تاریخ بوده و هست.

همان گونه که اشاره شد آن چه امروز به فصل مهم هویت علمی دانشگاه اهمیت بیشتر می‌بخشد، موضوع ضروری تولید علم است. البته، وقتی سخن از علم در دانشگاه به میان می‌آید، منظور نه هر علم، بلکه

مقصود علم نافع و خیررسان می‌باشد. مبنای این ادعا، آموزه‌های اسلامی است که از مولای متّقیان در کلام گهربارشان آمده است که فرمودند: بدان، علمی که در آن نفع و فایده‌ای نباشد، خیر نیست و تعلم علمی که در آن انتفاع برده نشود، سزاوار نیست (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶: ۶۴). چنین علمی زمینه‌ساز شکوفایی و بالندگی است لذا بازآفرینی آن در دانشگاه از این منظر که توانمندی دانشگاه را به ارمغان خواهد آورد، نقش بسزایی در انجام مسئولیت‌های خطیر این نهاد نیز خواهد داشت.

۳-۲- جهت‌گیری اسلامی و هویت دینی

اگر دانشگاهی تولید علم کرد و پژوهش و تحقیق به معنای خاص خود در آن به حدّ اعلاء وجود داشت، اما دارای جهت‌گیری‌ای باشد که با مبانی اعتقادی اسلام همخوانی نداشته، پس فاقد این شاخص می‌باشد. دانشگاه به مفهوم جدیدی که بعد از رنسانس در دنیا مطرح شده و الان نیز مطرح است، علم‌گرایی به مفهوم علوم تجربی و انسان محوری به جای خدا محوری و سکولاریزم را پایه و مبنای اصلی خود قرار داده است. این دانشگاه با این ویژگی‌ها به کشورهای مشرق زمین منتقل شده است. این دانشگاه با این مبانی، یک سری موانع برای رشد حقیقی خود دارد، در آن علم و تحقیقات و پژوهش هست اما با انسان ابزارگرایانه برخورد می‌کند. در دانشگاه اسلامی موردنظر ما، علم هست، پژوهش هست اما خدامحوری در آن مطرح است و اندیشه‌های الهی گرداننده این دانشگاه است و معنویت و انسانیت محوریت پیدا می‌کند. این چنین است جهت‌گیری اسلامی در دانشگاه.

این شاخصه زمینه‌ساز دستیابی به نظامی علمی - معرفتی است که بر پایه معارف و جهان‌بینی دینی - اسلامی متحقق می‌شود. این چنین نظامی مورد تأیید و تأکید اسلام عزیز است. قرآن کریم در آیه ۲۲ سوره توبه، شاخصه هویت علمی در نظام اسلامی برای محصل را جهت‌گیری دینی و الهی در کسب علم معرفی می‌نماید. همچنین در حدیثی از امام صادق (ع) روایت شده است: اگر کسی برای خدا دانش بیاموزد و به دیگران تعلیم دهد و علم را برای خدا به مرحله عمل برساند، در ملکوت آسمان‌ها بزرگ شمرده می‌شود (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۷). این حدیث پر محتوا به روشنی معنای جهت‌گیری اسلامی علم و دانش در دانشگاه مشخص می‌نماید.

هویت دینی دانشگاه نیز تنها به معنای عرضه چند درس معارف اسلامی، حضور چند روحانی، برگزاری چند سمینار و کنفرانس پیرامون مسائل اسلامی و اخلاقی نیست، بلکه وجود و حضور فضای دین در دانشگاه و دانشگاهیان است که چون دانشجو در فضای آن قرار گرفت دینداری او عمق می‌یابد، متخلق به اخلاق اسلامی می‌شود، تعصب دینی و ملی در او تقویت می‌گردد، روحیه آزادگی در وی دمیده می‌شود، دانش سیاسی او ارتقاء و حسّ حرکت سیاسی وی برانگیخته می‌شود. نسبت به مسائل انسانی، ملی و بین‌المللی حساسیت پیدا می‌کند و ملخص کلام، فردی دردمند به تمام معنا و در کلیه ابعاد انسانی می‌شود.

۳-۳- فایده‌مندی و خدمت‌گزاری

اگر دانشگاه هویت علمی داشته باشد، جهت‌گیری اسلامی هم به معنای عامش داشته باشد، ولی فاقد

توانایی خدمت‌رسانی به جامعه باشد، دانشگاه اسلامی نیست. چون دانشگاه، مجموعه‌ای است که علوم روز مورد نیاز یک جامعه را تولید می‌کند و به زندگی دنیوی مردم خدمت می‌رساند. بر این مبنا، دانشگاه اسلامی دانشگاهی است خدمت‌رسان که منشور «تَعَاوُنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده/۲) را سر لوحه همه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد. این اصل به‌عنوان یکی از برترین اعمال است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۰۶) که وسیله تقرب به خداوند را فراهم می‌آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱: ۳۱۱). و در دانشگاه عنصری را پرورش می‌دهد که علم را برای نجات و هدایت خود و جامعه تولید و ترویج می‌کند و به تعبیر مولای متقیان: «مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَّجٌ رَعَاغٌ أُتْبَاعُ» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۴۷). لذا اگر این مؤلفه بنیادین از دانشگاه گرفته شود، دانشگاه به جزیره‌ای جدا از جامعه و مجموعه‌ای که اصلاً خودش را در دل جامعه و مردم نمی‌بیند، مبدل می‌شود. اگر دانشگاه به جامعه خدمت نکند و خود را خادم مردم نداند، همین دانشگاه، ممکن است خود را در نقطه مقابل مردم ببیند و به‌عنوان ابزاری برای سرکوب آنان نقش ایفا کند. ممکن است دانشگاه به‌عنوان مجموعه دانشگاهی سرکوب‌کننده نباشد، اما فکر دانشگاهی، فکر پرورش‌یافته در دانشگاه، به‌جای خدمت، کمک و همخوانی با جامعه در نقطه مقابل و متضاد با جامعه قرار گیرد که این آفت دانشگاه را از اسلامی بودن و اسلامی شدن دور می‌کند.

۴- شاخص‌های چشم‌انداز دانشگاه:

با تدبیر در آموزه‌های حیات‌بخش دین مبین اسلام و بهره‌گیری و استنباط از این آموزه‌ها می‌توان از مؤلفه‌هایی ارزشی نام برد که در جهت دستیابی به جایگاه مطلوب دانشگاه اسلامی، ظهور و بروز آنها در دانشگاه به‌معنای دستیابی به جایگاه متعالی این نهاد می‌باشد. لذا تبیین و بررسی این مفاهیم، به‌معنای طراحی سیمای مطلوب آن می‌باشد که در ادامه با تفصیل مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد نظر، تلاش خواهد شد سیمای شایسته این نهاد طراحی و ترسیم شود:

۴-۱- دانایی

همان‌طور که از معنای لفظ دانشگاه برمی‌آید دانشگاه محلّ دانش است و دانایی نیز در معنای آن مستتر است. در گسترش روزافزون مرزهای دانایی برای تواناسازی هر چه بیشتر انسان‌ها، نهاد دانشگاه از شاخص‌ترین نهادهایی است که در این عرصه حضور دارد (صفایی فخری، ۱۳۸۸: ۱۴۰). با در نظر داشتن جایگاه دانشگاه در خلق این مؤلفه و رابطه این مؤلفه با علم و دانش و همچنین باتوجه به اهمیت و جایگاه ویژه این مؤلفه در نظام اسلام که دانایی را ارزشی با منشأ الهی معرفی می‌کند: «بدانید خداوند از هر چیزی آگاه است» (بقره/۲۳۱)؛ «پروردگار تو، حکیم و داناست» (انعام/۸۳).

لذا لازم و ضروری است اولین شاخص چشم‌انداز دانشگاه اسلامی با الهام از آموزه‌های اسلامی، صبغه الهی داشته باشد و در تمامی ابعاد و ارکان، مزین به ارزش والای دانایی باشد و برای تحقق آرمان متعالی شدن، نه تنها باید عملکردش مبتنی بر دانایی باشد بلکه باید خود به‌عنوان سرچشمه دانایی، با خلق فرهنگ خرد جمعی، جریان مستحکمی از دانش و حکمت را در جامعه پدید آورد. در غیر این صورت چنانچه این نهاد

مبتنی بر دانایی نباشد هیچگاه نخواهد توانست رسالت حقیقی خویش را ایفا کند. در این راستا شاخص دانایی محوری به عنوان مهم‌ترین شاخص چشم‌انداز دانشگاه مزین به ارزش‌های اسلامی به‌شمار می‌آید و برای محقق شدن این مهم لازم است موجباتی فراهم آید تا این مؤلفه الهی، در دانشگاه محقق شود.

۴-۱-۱- راهبردها و زمینه‌های پیدایش دانایی:

اما به‌راستی چه راهبردی تحقق این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه میسر می‌نماید؟ و با بیانی روشن‌تر، مهم‌ترین اقدام برای دستیابی و ایجاد فرهنگ فرزاندگی و دانایی در دانشگاه کدام است؟ برای دریافت پاسخ، لازم است به آموزهای حیات بخش اسلام عزیز - که رسالت خود را هدایت بشر می‌داند- رجوع کرد. این مهم در کلامی گهربار از پیامبر اکرم (ص) که رحمه للعالمین است، قابل برداشت می‌باشد؛ آن‌جا که ایشان در مقام توصیه تمسک به قرآن کریم، تمسک به قرآن و شناخت آن را به‌عنوان راه دستیابی به فرزاندگی، حکمت و دانایی بیان کردند. ایشان در این باره می‌فرمایند: قرآن ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن حکمت و فرزاندگی است و باطن آن علم و دانایی، ظاهر آن نیکو و شگفت‌انگیز است و باطن آن ژرف، مرزها و ظواهری دارد که هر یک را مرزهایی است. عجایب آن از شماره بیرون است، و شگفتی‌های آن کهنه نمی‌شود. در آن چراغ راهنمایی و منزلگاه‌های فرزاندگی و دلالت بر نیکی برای کسی است که آن را بشناسد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۹۹).

این کلام پر محتوا دلالت بر این دارد که قرآن کریم در بر دارنده مفاهیم ارزشمندی است که شناخت این مفاهیم و آموزه‌های الهی، راه دستیابی به دانایی، علم و حکمت می‌باشد. همین مضمون نیز در قرآن کریم مورد تأکید واقع شده است و این کتاب آسمانی یکی از مهم‌ترین محورهای خود را معرفت‌بخشی و ایجاد شناخت برای دانایان و صاحبان اندیشه معرفی می‌نماید: «این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند» (ص/۲۹) و نیز همین معنا از آیه شریفه ۴۹ سوره عنکبوت و آیه ۵۳ سوره ابراهیم قابل برداشت می‌باشد. لذا با در نظر داشتن و تأمل در این آموزه‌های حیات‌بخش، می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین راهبرد محقق شدن شاخص دانایی در دانشگاه، انس، تدبیر و شناخت مفاهیم قرآن کریم می‌باشد. چرا که تدبیر در آموزه‌ها و مفاهیم والای قرآن کریم می‌تواند زمینه‌هایی را فراهم می‌آورد که مسیر کسب دانایی را هموار خواهد کرد.

زمینه‌هایی همچون: تعلّم (کهف/۶۶)، تفکر (انعام/۵۰)، ایمان به خداوند (نمل/۸۰ و ۸۱؛ روم/۵۲ و ۵۳)، آخرت اندیشی (ص/۴۵ و ۴۶)، رشد (یوسف/۲۲؛ قصص/۱۴)، تقوا (بقره/۲۸۲)، تزکیه و خودسازی نفس (واقعۀ ۷۹) و تبعیت و پیروی از دانایان (مریم/۴۳) از اهم ارزش‌هایی است که با فراهم آوردن این زمینه تحقق آنها در دانشگاه، مسیر و خط دستیابی به دانایی هموار خواهد شد.

البته باید یادآور شد همچنان‌که در جریان دستیابی به این شاخص در دانشگاه، فراهم آوردن تمامی زمینه‌های مزبور لازم و ضروری می‌باشد فقدان هر یک از زمینه‌های مذکور، چالش و آفتی در مسیر تحقق این شاخص در دانشگاه اسلامی می‌باشد.

۴-۱-۲- آثار دانایی:

اما اینکه تحقق شاخص دانایی در دانشگاه چه ثمره‌ای خواهد داشت؟ با توجّه به این که قرآن کریم ثمره دانایی را این‌گونه بیان می‌دارد که دانایی و حکمت، شناخت و ایمان حقیقی به خداوند را به ارمغان می‌آورد: «کسانی که پیش از آن به آنها دانش داده شده، هنگامی که [این آیات] بر آنان خوانده می‌شود، سجده‌کنان به خاک می‌افتند» (اسراء/۱۰۷) لذا خلق آن در دانشگاه و زبینه شدن دانشگاهیان با این فرهنگ، روح ایمان حقیقی را در دانشگاه و جامعه حاکم خواهد کرد. در حقیقت دانایی در درجه نخست اعتقاد همرا با شناخت و ایمان بر مبنای اندیشه و بصیرت را به ارمغان می‌آورد.

از دیگر آثار پر برکت تحقق این شاخص وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری است. در فرهنگ اسلام، دانایی تکلیف‌آور است. هر چه انسان بیش تر بداند و بتواند، مسئولیتش سنگین‌تر است. دانایی و توانایی، زمینه‌ساز مسئولیت انسان مسلمان است. اگر دانایی دست انسان را نگیرد و به نجات نرساند، وبال گردن است و مایه بدفرجامی. خسارت از آن کسی است که چیزی نمی‌داند و خسران زده‌تر، کسی است که می‌داند، ولی عمل نمی‌کند. در این باره، پیامبر خدا(ص) ابوذر غفاری را این‌گونه نصیحت می‌کنند: «ای ابوذر، در قیامت، گروهی از بهشتیان به اهل دوزخ رو کرده، می‌پرسند: ما به کمک تعلیم‌ها و آموزش‌های شما و در سایه تأدیب و تربیت شما به بهشت وارد شدیم؛ پس چرا شما خودتان به دوزخ افتادید؟! می‌گویند: «ما به خیر آگاه بودیم و دیگران را به انجام آن دعوت می‌کردیم، ولی خودمان اهل عمل به آن نبودیم» (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۵۳). از دیگر آثار تحقق این شاخص می‌توان به هدایت یافتگی (مریم/۴۳) و پذیرش حق و حق‌گرایی (حشر/۲) اشاره کرد. بهره‌وری از نعمت‌ها و توانایی (نجم/۵) نیز از دیگر آثار تحقق شاخص مذکور می‌باشد که این مفهوم در کلام حکیم فرزانه، نظامی گنجوی نیز آمده است:

هر که در او جوهر دانایی است بر همه کاریش توانایی است

(نظامی، ۱۳۹۱: ۱۱۲)

۴-۱-۳- موانع تحقق دانایی:

از دیدگاه کلام وحی، علل و عواملی مانع تحقق این شاخص از چشم انداز دانشگاه هستند که از جمله آنها می‌توان از موانعی همچون: ناآگاهی و اندیشه‌ی جاهلان(ه/روم/۵۹)، تعجیل و شتاب‌زدگی در داوری(اسراء/۱)، موضع‌گیری نادرست در برابر اندیشه‌های نو(مؤمنون/۶۸)، اسطوره‌گرایی(انعام/۲۵)، حق‌ستیزی و لجاجت در پذیرش امور(انعام/۲۵)، تعصّب و وفاداری به آرای پیشینیان(لقمان/۲۱)، دروغ‌پردازی(جاثیه/۷-۸)، گناه‌پیشگی(اعراف/۱۰۰) و توجّه و علاقه به مادیات(آل عمران/۱۴) نام برد.

۴-۲- توانایی

در این مبحث منظور از توانایی دانشگاه، تقویت و ارتقاء سطح تجربه و دستیابی به قوه خلاقیت و ابتکار در ساختن و فراهم آوردن امکانات مادی در جهت رشد دانشگاه و جامعه می‌باشد. اصولاً یکی از اهداف استقرار دانشگاه‌ها نیز برای همین است که انسان توفیق آن را بیابد که از مواهب و امکانات بی‌حدّ و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن بهره‌برداری نماید. و به

قسمی که می‌بینیم و می‌دانیم مللی که زودتر به این حقیقت پی برده‌اند و دانشگاه‌های مجهز برای خود تهیه نموده‌اند چگونه از مزایای آن مستفیض می‌شوند و چگونه در پشت دیوار مستحکم شده دانشگاه‌های خود، سیادت و برتری خود را تأمین و تحمیل می‌کنند(راد، ۱۳۴۳: ۱).

در آموزه‌های دین مقدس اسلام شاخص توانایی و توانمندی از صفات خداوند به شمار می‌رود؛ لذا منشأ الهی دارد «خداوند بر هر چیز تواناست»(بقره/۲۰)؛ «خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است»(حدید/۲۵) همچنین در قرآن کریم پس از مفهوم ارزشمند دانایی، توانایی و توانمندی را به‌عنوان ملاک و معیار شایستگی معرفی می‌نماید. این مفهوم از آیه ۲۴۷ بقره قابل برداشت می‌باشد؛ آنجا که خداوند کریم دو صفت دانایی و توانایی حضرت داوود(ع) را عامل شایستگی و برگزیدن ایشان بر مردم قومش معرفی می‌نماید: «خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و [قدرت] جسم، وسعت بخشیده است»(بقره/۲۴۷). در آیه مذکور خداوند کریم شایسته بودن حضرت داوود(ع) را بخاطر وجود دو صفت دانایی و توانایی ایشان معرفی می‌نماید. آیه شریفه دلالت بر این مطلب دارد که قدرت علمی و توانایی، باعث برگزیدن شدن و اصطفا‌ی حضرت داوود(ع) بر سایرین می‌باشد و خداوند این صفات را به‌عنوان ملاک برتری و شایسته بودن ایشان نسبت به سایرین معرفی می‌نماید(فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق، ج: ۶، ۵۰۵).

با در نظر داشتن اهمیت و جایگاه ویژه توانایی در اسلام، این مؤلفه به‌عنوان دومین شاخص از چشم‌انداز دانشگاه، هدفی مهم و ضروری برای این نهاد است. همچنین از مضمون آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»(انفال/۶۰) که به‌عنوان منشور لزوم فراهم آوردن قدرت و توانایی همه جانبه تلقی می‌شود، ضرورت ظهور و بروز این شاخص را دانشگاه به‌دست آید.

در حقیقت این شاخص ماحصل و نتیجه ترکیب دانایی و تعاون خواهد بود. اگر در دانشگاه دو عامل دانایی و تعاون به‌درستی با یکدیگر ترکیب شوند، نتیجه مسلم و منطقی آن توانایی خواهد بود که در برابر آن، بسیاری از چالش‌ها و نگرانی‌های موجود که ناشی از ضعف و ناتوانی دانشگاه و جامعه علمی ما می‌باشد، کم‌رنگ خواهد شد. این شاخص، ضامن و زمینه‌ساز اقتدار، بالندگی، رشد مادی و معنوی جامعه اسلامی است.

۴-۲-۱- عوامل و زمینه‌های تحقق توانایی:

در مسیر تحقق این شاخص از چشم‌انداز لازم است راهبردهای توانایی دانشگاه از دیدگاه آموزه‌های اسلامی را دریافت و با اعمال این راهبردها به این ارزش الهی دست یافت. با مدنظر قرار دادن آموزه‌های دین مبین اسلام به‌خصوص آیات قرآن کریم می‌توان اولین راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه را تولید و ترویج علم و دانش بیان کرد. قرآن کریم گویای این مهم می‌باشد که علم و دانش عامل اصلی توانایی و قدرت است. چنانچه این پیام از آیه ۴۰ سوره نمل، قابل برداشت می‌باشد؛ این سوره به طرح داستان حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبأ می‌پردازد و بیان می‌دارد وقتی که حضرت سلیمان(ع) از سایرین درخواست می‌کند که چه کسی قادر است تخت ملکه سبأ را برایش بیاورد؟ سپس قرآن کریم درباره این عمل خارق‌العاده می‌فرماید: [آما] کسی که دانشی از کتاب داشت گفت: پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهیم آورد. آیه مذکور به این مهم اشاره دارد که حتی بهره‌مندی بخشی از علم، توانایی و

توانمندی قابل ملاحظه‌ای در دارنده آن به وجود می‌آورد تا جایی که با استفاده از نیروی خود در طرفه‌ العینی عمل خارق العاده‌ای انجام می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۴۲۱). بر این اساس علم و دانش را می‌توان مهم‌ترین زمینه‌دستیابی به توانایی به‌شمار آورد. و اساساً می‌بینیم که درآموزه‌های اسلامی علم و توانایی به‌عنوان دو مؤلفه توأم با هم معرفی شده‌اند. به این معنا که علم همراه با قدرت است و قدرت همراه با علم. و اصلاً می‌توان ادعا کرد که علم و قدرت عین یکدیگرند؛ علم عین قدرت است و قدرت عین علم. لہذا، از دیدگاه قرآن کریم هر دو به شکل واحد موجود هستند «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (نجم/۵). از این روست که هر کس، هر اندازه سهم و بهره بیشتری که از علم داشته باشد، قانون جهان را بهتر می‌داند، بر قدرتش نیز افزوده می‌شود.

تواناست بردانش خویش دانا نه داناست آنکو تواناست به زور

(ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۴۶)

البته، منظور از علمی که در این جریان می‌تواند کارآمد واقع شود و ماحصل آن توانایی دانشگاه باشد، علم نافع و مفید است. و چه بسا تنها علوم کاربردی و نفع‌رسان را می‌توان علم حقیقی و ارزشمند به حساب آورد. مبنای این ادعا آموزه‌های اسلامی است که در این مورد از مولای متقیان در کلام گهربارشان آمده است که فرمودند: بدان، علمی که در آن نفع و فایده‌ای نباشد، خیر نیست و تعلم علمی که از آن انتفاع برده نشود، سزاوار نیست (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱۶: ۶۴).

بر این اساس در دانشگاه اسلامی تولید و ترویج علم و دانش نافع و سپس بومی‌سازی و کاربردی کردن این علوم از اهم مسائل می‌باشد. با تکیه بر این محور و خروج از فضای سنتی علم برای علم و ورود به فضای علم برای کار و عمل، از قالب‌های نظری بیرون می‌آید و به سمت و سوی قواعد کاربردی گام برمی‌دارد و می‌تواند با به خدمت گرفتن جهان در شکل مؤثرتری ظاهر شود و از این رهگذر خالق رفاه و آسایش برای جامعه باشد.

از دیگر عواملی که با تدبیر در آموزه‌های اسلامی می‌تواند راهبرد دستیابی به توانایی دانشگاه قلمداد شود، برخورداری از معرفت و شناخت صحیح است. در قرآن کریم، خداوند قادر از پیامبر اکرم (ص) می‌خواهد که مؤمنان را تشویق به جنگ با کفار بکند و به مؤمنان وعده پیروزی بر کفار را می‌دهد به سبب اینکه مومنان از شناخت صحیحی برخوردارند ولی کسانی که کافرند صاحب خرد نمی‌باشند و در برابر مومنان شکست می‌خورند (انفال/۶۵). سرّ این که شناخت صحیح چگونه به مؤمن قوت و اقتدار می‌بخشد، این است که مؤمنان با تکیه بر این اندیشه صحیح و این تفکر که هر اقدامی که انجام می‌دهند نیروی خداوند که هیچ نیروی دیگری معادل آن نبوده و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد، پشتیبان آنان است و همین فهم صحیح صاحبش را با شهامت و دارای استقامت و آرامش قلب به بار می‌آورد. به خلاف کسانی که اتکاءشان همه بر هوای نفس و اعتمادشان همه بر ظواهری است که شیطان در نظرشان جلوه می‌دهد، و معلوم است دل‌هایی که تمام اعتمادشان بر هوا و هوس است هرگز متفق نمی‌شوند، و اگر هم احیاناً متفق شوند اتفاقشان دائمی نخواهد بود. و بسیار نادر است که دلی بی‌ایمان تا پای جان بر سر هواهای خود پایدار بماند، و این نیست مگر بخاطر فقه و معرفت مؤمنان که خود علم و ایمان را در بر دارد، و بخاطر جهل کفار که خود ملازم با کفر و هواپرستی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹، ۱۶۲).

این آیه شریفه برای ما به صورت کاملاً واضح و آشکارا، این اصل را بازگو می‌کند که آگاهی و معرفت از عوامل حقیقی احراز توانایی است. همین اصل، نقش مهم و اساسی در توانمندی دانشگاه نیز ایفا می‌کند؛ به این معنا که در دانشگاه، آگاهی و بصیرت نسبت به اهداف و ارزش‌ها، روح استقامت و پایداری را - که ثمره‌ی درخت ایمان است - تقویت می‌نماید. پایداری و استقامت دانشگاه در مسیر دستیابی به این اهداف و ارزش‌ها نقش برجسته و مؤثری دارد که در نتیجه آن این نهاد می‌تواند با غلبه بر سختی‌ها و مشکلات، روز به روز بر قدرت خود و جامعه بیفزاید. درست در جهت عکس، عدم آگاهی از ارزش‌ها و اهداف مقدسی که دانشگاه رسالت آن را در جامعه بر عهده دارد روح استقامت و پایداری را از کف خواهد گرفت و با تسلیم شدن در برابر ضد ارزش‌ها، نتیجه این خواهد شد که دانشگاه به عنصری بیمار تبدیل، و به ضعف و ناتوانی گرفتار می‌شود.

از دیگر عواملی که از دیدگاه آموزه‌های اسلامی زمینه دستیابی به توانایی را فراهم می‌آورد، اتحاد و همبستگی است. اتحاد و یکپارچگی و دوری از اختلاف و تفرقه، از دستورات اکید الهی است که در آیات متعدّد قرآن کریم به آن فرمان داده است: و [فرمان] خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید. و نزاع [و کشمکش] نکنید، تا سست نشوید، و قدرت [و شوکت] شما از میان نرود (انفال/۴۶).

آیه‌ی شریفه مسلمانان را به اتحاد فرا می‌خواند و از پراکندگی برحذر می‌دارد چرا که تفرقه و نزاع به اختلاف و سستی می‌انجامد و نتیجه این سستی و فتور از میان رفتن قدرت و قوت است. همین مضمون نیز از آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) قابل برداشت می‌باشد. از آن جا که دانشگاه، نهادی است که در بطن جامعه قرار دارد و در شرایط گوناگون نقش کانونی در جامعه را ایفا می‌کند لازم است این اصل مهم را سرلوحه خود قرار داد و خود به‌عنوان محور وحدت در جامعه، همگان را به رعایت این اصل مهم سوق دهد. وحدت کلمه در این نهاد، نیرومندی دانشگاه و به تبع وحدت و عزت جامعه را در پی خواهد داشت و در نقطه‌ی مقابل، پراکندگی و تفرقه در این رکن حیاتی جامعه، شوکت و نیروی دانشگاه و جامعه را از بین خواهد برد.

۴-۲-۲- آثار توانایی و توانمندی دانشگاه:

از مهم‌ترین آثار توانمندی دانشگاه می‌توان به بهره‌گیری از مواهب و امکانات بی‌حد و حصری که خداوند بزرگ در طبیعت آفریده در جهت بهبود زندگی و بهتر زندگی کردن اشاره کرد. که با تکیه بر تولید علم نافع و کاربردی کردن علوم، محقق خواهد شد، که این مهم در مباحث قبل به آن اشاره شده است. نتیجه دیگری که از قدرتمندی دانشگاه به دست می‌آید حفظ و حراست از حقوق جامعه می‌باشد (آل عمران/۷۵). همچنین توانایی این نهاد نقش بسزایی در اجرا و تحقق عدالت دارد که این مهم نیز از آیه ۲۵ سوره حدید، قابل برداشت است. محبوبیت (بقره/۱۶۵)، حفظ و صیانت از تعالیم و آموزه‌های دینی (بقره/۶۳ و اعراف/۱۴۵) نیز از دیگر دستاوردهای دانشگاه توانا و توانمند می‌باشد. آثار و دستاوردهای قدرتمندی دانشگاه تنها در موارد مذکور خلاصه نمی‌شود بلکه موارد مذکور از اهم آثار می‌باشند که در این نوشتار به آنان اشاره شده است و سایر آثار تحقق این مهم، با تدبیر در آموزه‌های اسلامی قابل برداشت می‌باشد.

۴-۳- نیکویی

که اویست بر نیکویی رهنمای از اویست گردون گردان به جای
(فردوسی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۶۴).

از جمله مفاهیم ارزشمندی که در آموزه‌های دینی به خصوص قرآن کریم، مورد توجه و عنایت فراوان قرار گرفته و به آن سفارش شده است انجام نیکی و نیکویی است. درباره اهمیت و جایگاه این مفهوم همین بس که قرآن کریم به طور مکرر مخاطبان خود را به آراسته شدن به این ارزش ترغیب و تشویق می‌کند و همگان را به اجرای به این ارزش دستور می‌دهد «خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد» (نحل/۹۰) و کسانی را که به این صفت زینده شده‌اند را مورد ستایش قرار داده و آنان را محسن و محبوب خداوند معرفی کرده و به پاداش دنیوی و اخروی وعده داده است «خداوند پاداش این جهان و پاداش نیک آن جهان را به آنها داد؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (آل عمران/۱۴۸). با در نظر داشتن این مفاهیم و نیز از این رهگذر که خداوند سبحان، خود منشأ و خالق حقیقی نیکویی است و دوست می‌دارد عالمیان نیکی و شایستگی را نصب‌العین خود قرار دهند و نیکوکار باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۵۴)

دانشگاه اسلامی نیز به‌عنوان نهادی که رسالت تبلور آموزه‌های اسلامی را در جامعه بر عهده دارد لازم و ضروری است خود را به نیکی و نیکویی آراسته نماید. جهت روشن شدن ماهیت این شاخص از چشم‌انداز دانشگاه می‌توان گفت نیکویی دانشگاه به این معناست که دانشگاه نیکو، طالب و خواهان همه خوبی‌ها و فضائل برای خود و جامعه است و در مسیر دستیابی به آن دوری از همه خصلت‌های ناپسند و آراسته شدن به خوبی‌ها در کنار اصل خیررسانی و بخشندگی باید سرلوحه فعالیت‌های این نهاد باشد.

۴-۳-۱- زمینه‌های پیدایش نیکویی:

پس از تبیین جایگاه و اهمیت این بعد از دانشگاه، این سؤال مطرح می‌شود: که چه علل و عواملی سبب پیدایش این صفت عالی در دانشگاه می‌شود؟

در پاسخ این سؤال، قرآن کریم دو عامل مهم را به‌عنوان زمینه دست‌یابی به نیکویی معرفی می‌نماید؛ عامل اول در پیدایش نیکویی، ایمان حقیقی به خداوند متان است. به عبارت دیگر ریشه و منشأ اصلی پیدایش نیکویی را می‌توان در ایمان به خداوند دانست. چرا که روح ایمان و باور به رضایت و پاداش خداوند است که ضرورت نیکو شدن را در یک عنصر ایجاب می‌کند. از این روست که انگیزه دوری از ناپسندی‌ها و بدی‌ها و تلاش برای خیررسانی و احسان به وجود می‌آید (صافات/۸۰ و ۸۱).

بنابراین تقویت روحیه ایمان در ابعاد و ارکان دانشگاه به‌طور مستقیم در نیکو شدن دانشگاه مؤثر می‌باشد و با تقویت روحیه ایمان است که حقیقت و روح نیکویی به معنای واقعی کلمه در دانشگاه متبلور خواهد شد و در این صورت است که نه تنها نهادی نیکو در متن و بطن جامعه خواهیم داشت بلکه این نهاد ترویج دهنده روحیه نیکویی و نیکو بودن در جامعه خواهد بود.

همچنین دومین عامل که در پیدایش و تقویت این ارزش در دانشگاه مؤثر است، تقویت روحیه عبودیت و بندگی خدا می‌باشد. چه اینکه بیان شد که ایمان به خدا سبب تلاش رضایت و خشنودی خداوند می‌شود

و این هدف نیز جز از مسیر بنده خدا بودن و خیررسانی و احسان محقق نخواهد نشد که این مفهوم از آیه ۸۰ و ۸۱ سوره مبارکه که صفات اخذ می‌شود.

۴-۳-۲- آثار نیکویی دانشگاه:

با در نظر داشتن تصویر ارزش و جایگاه این مفهوم در نظام فکری و ارزشی اسلام، آثار و پیامدهای گوناگون اجتماعی، فرهنگی، آخرتی در حوزه آموزه‌های قرآنی و روایی قابل برداشت است که می‌توان اولین اثر آراسته شدن به نیکویی را محبوبیت دانست. نیکی به جهت برانگیختن احساس خوشی و لذت روحانی، امری شایسته و ارزشی است که هم موجب رضایت و محبوبیت نزد خداوند می‌شود: «أَحْسِنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده/۹۳) و هم به سبب این که این ارزش مطابق فطرت گرایش به زیبایی‌ها و تحسین است و از لحاظ زبانشناختی روح لطیف آدمی را به خود جلب و جذب می‌کند، مورد تحسین عموم مردمان قرار می‌گیرد و اقبال و استقبال بیشتر اهل علم و جامعه را نسبت به این نهاد به ارمغان می‌آورد.

از دیگر آثار آراسته شدن دانشگاه به این ارزش می‌توان به ارتقاء منزلت و جایگاه دانشگاه در جامعه اشاره کرد. عنصری که نیک بودن را در سرلوحه ارزش‌های متعالی خویش قرار دهد و خود را نیکو گرداند در حقیقت در گام نخستین منزلت و جایگاه خود را ارتقاء می‌دهد.

از دیگر آثار با برکت متخلق شدن به این ارزش می‌توان به هدایت ویژه و هدایت‌پذیری اشاره کرد. نیکویی و وارسته شدن به نیکی‌ها، ارزشی است که این نهاد با آراسته شدن بدان رضایت و خشنودی الهی را در پی دارد و این، زمینه‌ساز بهره‌مندی این نهاد از الطاف الهی از جمله هدایت است: «هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ» (لقمان/۳). این راه، همان صراط مسقیم الهی است که به سبب نیکویی خداوند بدان هدایت می‌کند (لقمان/۲۲).

ایجاد دوستی و صمیمیت میان انسان‌ها و همگرایی اجتماعی از دیگر آثار تحقق این بعد از چشم‌انداز دانشگاه است. خداوند با اشاره به این پیامد اجتماعی نیکویی می‌فرماید: هرگز نیکی و بدی، یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه [خواهی دید] همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است (فصلت/۳۴). در این آیه بیان می‌شود که برای برداشتن کینه‌ها و دشمنی‌ها و دوری از واگرایی اجتماعی و دست‌یابی به همگرایی، احسان و نیکوکاری تا چه اندازه می‌تواند مفید و تاثیرگذار باشد! همچنین از دیگر آثار نیکویی می‌توان به برخوردار شدن از علم و حکمت (قصص/۱۴ و یوسف/۲۲)، جلب رحمت خاص خداوند (اعراف/۵۶ و لقمان/۳) اشاره کرد.

۴-۳-۳- مصادیق نیکویی:

در آموزه‌های دین مبین اسلام به خصوص قرآن کریم موارد فراوانی از مصادیق نیکویی را می‌توان یافت که البته لازم و ضروری است دانشگاه اسلامی عامل و آراسته به این ارزش شود در ذیل به صورت مختصر به اهم این مصادیق اشاره می‌شود.

خیرخواهی و اصلاح(توبه/۹۱)، انجام وظایف و امتثال امر الهی (صافات/۱۰۵)، اجتناب از فساد و ارتکاب فحشاء(اعراف/۵۶؛ نجم/۳۲)، جهاد و تحمّل سختی‌ها(توبه/۱۲۰؛ عنکبوت/۶۹)، عفو و گذشت از لغزش‌ها(آل عمران/۱۳۴؛ مائده/۱۳)، دعوت به توحید و مودت اهل بیت(ع)(صافات/۱۳۱، ۱۲۷، ۱۲۵؛ شوری/۲۳)، برخورداری از روحیه‌ی سازش و مصالحه(نساء/۱۲۸).

۴-۳-۴- موانع نیکوئی:

با تدبیر در آموزه‌های اسلامی برداشت می‌شود که موانع تحقق این شاخص، دو عامل تفاخر و تکبر(نساء/۳۶) می‌باشد. در منطق قرآن، تکبر و تفاخر به عنوان مهم‌ترین عوامل واگرایی اجتماعی مورد توجه و نظر بوده است و از مردمان خواسته شده است تا از این خصلت‌های یابند. خصلت و ویژگی‌ای که موجب شد ابلیس از درگاه ایزد مٔان رانده شود و بسیاری از انسان‌ها از راه هدایت دور و دچار گمراهی شوند. قرآن به جای تکبر و تفاخر از مردمان می‌خواهد تا منش تواضع را به‌عنوان بستری مناسب برای رشد خصلت نیکویی و همگرایی اجتماعی در پیش گیرند(مائده/۸۳ و ۸۵). فخر فروشی به دیگران و نیز تکبر از اموری است که موجب می‌شود تا دانشگاه و دانشگاهیان نیز خود را از دیگری جدا و برتر بدانند و حاضر به همراهی با جامعه نشود و از این‌رو گرفتار نوعی واگرایی اجتماعی شده و از اجتماع دور و از همزیستی و همکاری و مساعدت جامعه دست می‌شویند که در این صورت این نهاد نافع از مسیر متعالی و مطلوب خود منحرف می‌شود و دیگر عنصری نیکو نخواهد بود.

۴-۴- زیبایی

زیبا به علم شو که نه زیباست آن کس که او به دیبا زیبا شود (ناصر خسرو، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

زیبایی در اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دین اسلام، منشأ و حقیقت زیبایی در عالم هستی را جمال دل آرای خداوند می‌داند که همه چیز را به زیور نور جمالش بیآراست(نور/۳۵) خداوند را به زیبایی می‌ستاید و توصیف می‌کند و «جمال» را از نشانه‌های قدرت خدا و از نعمت‌های بیکران او، نسبت به بندگان می‌داند آفرینش آسمان و زمین را «زینت» می‌داند(کهف/۷). لذا با سرلوحه قرار دادن این که خداوند، زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد و دوست دارد و آثار نعمتش را بر بندگانش ببیند(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۳۸) و دیگر این که فطرت انسان، طالب زیباخواهی و زیباجویی است؛ بر این باوریم دانشگاه اسلامی نیز به‌عنوان نهادی که هم ایفای رسالت الهی را برعهده دارد و هم باید مطابق فطرت الهی و زیبا دوست انسان باشد، لازم است شاخص زیبایی و زیبا شدن را جزء مهم‌ترین اهداف و ارزش‌های خود قرار دهد. بر این مبنا دانشگاه اسلامی نه تنها شایسته است که زیبا، بلکه باید آینه‌دار زیبایی در جامعه باشد و آن را برای جامعه به‌تصویر بکشد. چنان که براساس آموزه‌های اسلامی زیبایی به دو دسته ظاهری(مادی) و باطنی(معنوی) تقسیم می‌شود(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹۵). به‌تبع در این مبحث نیز وقتی از زیبایی دانشگاه سخن می‌رود در حقیقت منظور زیندگی دانشگاه و دانشگاهیان به هر دو جنبه زیبایی است؛ چه جنبه باطنی و معنوی و چه جنبه ظاهری و فیزیکی.

۴-۴-۱- آثار زیبایی:

در نظر گرفتن این شاخص برای چشم‌انداز دانشگاه از اهمیت خاصی برخوردار است و آثار ارزنده‌ای را به‌همراه خواهد داشت؛ نخست اینکه تخلق به زیبایی در واقع تقویت مبنای الهی بودن و الهی شدن این نهاد است. چراکه زیبایی، همواره موجب اندیشه و حرکت بسوی منشأ زیبایی است و از این رو در قرآن کریم بارها توصیه شده است از کنار زیبایی‌های خلقت به غفلت عبور نکنید و می‌خواهد که نسبت به نشانه‌های زیبایی و زینت پراکنده در هستی بی‌تفاوت نباشیم (ق/۷-۸).

و در جای دیگر می‌گوید: زیبایی آسمان را ما به وجود آورده‌ایم (فصلت/۱۲). و در پایان آیه نیز تصریح می‌کند که این زیبا آفرینی کار خالقی عزیز و یکتاست. لذا زیبایی در هر قالبی موجد تدبّر، و تدبّر مایه بصیرت نسبت به منشأ و پدید آورنده این جلوه‌ها خواهد بود. خواجه شیراز این مفهوم را این گونه بیان می‌کند:

در ازل، پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد (حافظ، ۱۳۵۴: ۳۲۳).

و در جایی دیگر می‌گوید:

عکس روی تو چو بر آینه جام افتاد عارف از خنده‌ی می در طمع خام افتاد

حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد این همه نقش در آئینه‌ی اوهام افتاد

(همان: ۳۲۵).

دوم این که با توجه به این که میل به زیبایی‌ها از محورهای اساسی نهاد فطرت آدمی است و حسّ زیبایی خواهی و زیبایی دوستی از روح الهی بشر سرچشمه می‌گیرد، لذا زیبایی دانشگاه عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک می‌کند و لذت و انبساط پدید می‌آورد که این به نوبه خود باعث می‌شود این نهاد نیز نمودی مطابق و موافق فطرت داشته باشد و نقش بسزایی در جلب قلوب خواهد داشت و محبوبیت این نهاد در جامعه را به‌دنبال دارد. زیبایی دانشگاه و دانشگاهیان اندوه را از جامعه می‌زداید؛ چراکه زیبایی، شادابی و نشاط می‌آورد و جایی در دل انسان برای غم باقی نمی‌گذارد. این مهم به‌خصوص در زیبایی ظاهری محسوس‌تر می‌باشد؛ لذا از دیدگاه آموزه‌های اسلامی استفاده از لباس‌های تیره، دل را سیاه می‌کند و غم را در انسان حکم‌فرما می‌سازد؛ حتی لباس اهل آتش معرفی شده است و برخی روایات نیز پوشیدن کفش سیاه را نیز عامل ایجاد غم و غصّه معرفی کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۹۹).

همچنین زیبایی رفتار و افعال در دانشگاه، باعث می‌شود همگان به انجام آنها شوق و رغبت پیدا کنند چراکه این افعال، انسان را از زیبایی‌های ظاهری به زیبایی‌های حقیقی‌تر و باطنی فرا می‌خواند و فهم اهمیت روح زیبا را در مقابل ظاهر زیبا برای بشر فراهم می‌سازد. تقویت و تعمق این فرهنگ در دانشگاه، دانشگاهیان و جامعه را از زیبایی‌های ظاهری عبور می‌دهد و به زیبایی‌های حیات معقول رهنمون می‌گرداند و در سیر تکاملی تزیین جامعه به صفت‌های زیبا نقش بسزایی دارد.

۴-۲- موانع زیبایی:

موانع تحقق این شاخص چشم‌انداز تاحدودی روشن است؛ چراکه برای فطرت زیبادوست و زیباشناس، شناخت زشتی‌ها نیز بدیهی است و آن را نمی‌پسندد و از آن کراهت دارد. در آموزه‌های دین اسلام نه تنها از ارتکاب زشتی بلکه حتی از نزدیک شدن به آن به‌شدت نهی شده است؛ چه انجام افعال زشت و چه ظاهر زشت و ناآراسته.

قرآن کریم در آیات: «لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ» (انعام/۱۵۱) و (اعراف/۳۳) به این مهم اشاره می‌کند. در این آیات منظور از فواحش، اعمالی است که فوق العاده زشت و ناپسند است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶: ۳۲۵). و لفظ «ماظهر» دلالت به افعال ظاهری زشت (طوسی، بی تا، ج ۴: ۳۱۵). و لفظ «ما بطن» اشاره دارد به زشتی نیت و باطن افعال زشت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۵۹۱). در این آیات افعال و نیت زشت به‌عنوان نمودهای زشتی معرفی می‌شوند. چنانکه همین مضمون از آیه «وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ» (قصص/۴۲) قابل برداشت است؛ که در این آیه لفظ مقبوح، به سیما و صورت زشت، کراهت بار و زجرآور اشاره دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۰۲) باتوجه به آیات مذکور، موانع زیبایی دانشگاه را می‌توان زشتی‌های باطنی در دانشگاه که همان افعال و نیت نامناسب و ناخوشایند دانشگاهیان دانست که این اعمال هرگز در شأن و منزلت دانشگاه و زینده اهل علم و عالمان نمی‌باشد. همچنین محیط‌ها و صحنه‌های زنده و ناخوشایند که در شأن این مکان مقدس نمی‌باشد از مصادیق زشتی‌های ظاهری در دانشگاه می‌باشد.

۵- نتیجه

از آن چه که بیان شد، به‌دست می‌آید که دانشگاه اسلامی از سه مشخصه ذاتی یا مؤلفه بنیادین هویت علمی، جهت‌گیری اسلامی و هویت دینی، فایده‌مندی و خدمت‌گزاری برخوردار است که ظهور و بروز کامل این مؤلفه‌ها موجب اطلاق صفت اسلامی به دانشگاه می‌شود همچنان که فقدان وجود آن دال بر اسلامی نبودن دانشگاه است.

اگر قرار باشد برای دانشگاه، شکوفایی علمی اندیشیده شود، مرزهای دانش توسعه یابد، باید دانشگاهی با این ویژگی‌ها پدید آید و الا تلاش برای رسیدن به دانشگاهی متعالی، ابر و ناقص می‌ماند. کارکرد درونی دانشگاه نیز هرچه که باشد، باید محصول دانشگاه از این سه مؤلفه، تأثیر درون، شخصیتی و محتوایی یافته باشد. به‌عبارت دیگر، محصول دانشگاه یا همان فارغ التحصیلان آن، باید افرادی دارای هویت علمی و هویت دینی حقیقی و واقعی، مفید و مهذب باشند. چرا که جریان تعلیم و تربیت در دانشگاه اسلامی به‌گونه‌ای است که هر فردی در مسیر آن قرار گیرد، متصف به این صفات و متلبس به این لباس می‌گردد. همچنین، شاخص‌های چشم‌انداز آرمانی و مطلوب دانشگاه اسلامی چهار ویژگی ارزشی دانایی، توانایی، نیکویی و زیبایی معرفی شده است. به این معنا که لازم است دانشگاه به‌عنوان نهادی که با نظام فکری خود در بطن جامعه قرار دارد، نقش آفرینش فرهنگ فرزاندگی و دانایی در جامعه را ایفا کند. شاخص توانایی، اقتدار و توانمندی دانشگاه را دست‌آورد مبنا قرار دادن خدامحوری در همه ابعاد و ارکان این نهاد

معرفی می‌کند که با فراهم آمدن عوامل دستیابی به توانایی، دانشگاه به نهادی نافع، حافظ حقوق و مظهر توانمندی جامعه مبدل خواهد شد. شاخص نیکویی، دانشگاه را نهادی آراسته به تمام فضائل و خوبی‌ها می‌داند. و بر مبنای شاخص زیبایی، دانشگاه مطلوب، آینه‌دار زیبایی در جامعه می‌باشد که در این راستا ضروری است برای دستیابی به این جایگاه، هم از لحاظ جنبه ظاهری و هم از لحاظ جنبه باطنی و افعال، دانشگاه، آراسته به این مفهوم ارزشی گردد.

منابع:

قرآن کریم.

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)؛ شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)؛ الخصال، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)؛ تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)؛ لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چاپ سوم.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۲)؛ «راهکارهایی برای اسلامی شدن دانشگاه‌ها»، دانشگاه اسلامی، ۱۸ و ۱۹، ۴۴-۱۹.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۷۴)؛ غزلیات، تهران، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ دوم.
- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰)؛ الحیاة، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ اول.
- خنیفر، حسین؛ موسوی، زینب سادات (۱۳۹۰)؛ «بایسته‌های دانشگاه فرهنگ‌ساز در هزاره سوم»، دانشگاه اسلامی، ۴۶، ۱۱۸-۹۵.
- ذاکر صالحی، علامرضا (۱۳۸۴)؛ دانشگاه ایرانی، درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی، تهران، کویر.
- راد، سامی (۱۳۴۳)؛ «سخنی چند درباره دانشگاهها»، مجله وحید، ۱۴، ۱-۴.
- رضایی، محسن (۱۳۷۴)؛ چشم انداز ایران فردا، تهران، انتشارات اندیکا، چاپ اول.
- زراعت، عباس (۱۳۷۶)؛ «راهکارهای اسلامی کردن دانشگاه». دانشگاه اسلامی، ۱، ۹۳-۸۱.
- صفایی فخری، لیلا؛ بهرنگی، محمد رضا (۱۳۸۸)؛ بهره‌گیری از الگوی مدیریت دانش در توسعه فرهنگ دانشگاه اسلامی، دانشگاه اسلامی، ۴۲، ۱۶۲-۱۳۶.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد باقر، موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۵)؛ مکارم‌الاخلاق، ابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ دوم.
- طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)؛ مجمع‌البحرین، تهران، انتشارات مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)؛ الامالی، قم، دارالتقافة، چاپ اول.
- (بی تا)؛ التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- علی آبادی، نجمه (۱۳۸۹)؛ تحلیل مفهوم اسلامی شدن دانش و دانشگاه، مجموعه مقالات همایش تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه معارف اسلامی، ۱، ۷۲-۵۵.

- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)؛ مفاتیح‌الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فردوسی، ابوالقاسم حسن بن علی (۱۳۹۱)؛ شاهنامه فردوسی، تهران، پیام عدالت، چاپ سوم.
- فضل‌الهی قمشی، سیف‌الله؛ سوده اسلامی فر (۱۳۹۰)؛ معیارهای دانشگاه اسلامی از دیدگاه استادان دروس معارف اسلامی، معرفت، ۸۶، ۱۶۷-۱۷۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)؛ الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)؛ بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
- مجیدی، محمد رضا (۱۳۸۲)؛ بازخوانی راهبردهای دانشگاه اسلامی از منظر جنبش نرم‌افزاری، دانشگاه اسلامی، ۱۸ و ۱۹، ۸۶-۷۳.
- مخبر، محمدرضا و همکاران (۱۳۷۶)؛ تعریف دانشگاه اسلامی و اولویت‌های کوتاه مدت و دراز مدت، دانشگاه اسلامی، ۲، ۸۶-۷۰.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)؛ الامالی، قم، کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- مقیسه، حسین (۱۳۸۴)؛ از موانع اسلامی شدن دانشگاه‌ها، دانشگاه اسلامی، ۲۷، ۱۰۲-۸۹.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)؛ تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، روح‌الله (امام خمینی) (۱۳۷۵)؛ صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)؛ چاپ ششم.
- موسوی مقدم، سید رحمت‌الله (۱۳۸۴)؛ بررسی ضرورت، هویت، مؤلفه‌ها و استراتژی دانشگاه اسلامی در نگاه رهبران انقلاب اسلامی، دانشگاه اسلامی، ۲۷، ۵۸-۱۱.
- ناصر خسرو قبادیانی، ابومعین حمیدالدین (۱۳۷۸)؛ دیوان اشعار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- الیاس بن یوسف بن زکی، جمال‌الدین ابومحمد (نظامی گنجوی) (۱۳۹۱)؛ مخزن الأسرار، بی‌جا، قطره، چاپ چهاردهم.